

واژه های اقتصاد پنهان



فساد مالی

تنظیم: جمشید منصور قناعی

کلمه‌ی فساد (Corruption) از ریشه‌ی لاتینی (Rumpere) به معنی شکستن یا نقض کردن است و آن چه که شکسته یا نقض می‌شود می‌تواند یک شیوه‌ی رفتار اخلاقی یا اجتماعی و یا مقررات اداری باشد. در لغت فارسی برای فساد معنای مختلفی مانند: تباهی؛ به ستم مال کسی را گرفتن؛ گزند و زیان؛ ظلم و ستم؛ شرارت و بدکاری؛ عمل ناشایست و زشت؛ فسق و فجور؛ دشمنی و کینه؛ هم‌چنین فتنه و آشوب ذکر شده است. بسیاری از دانشمندان و متفکران سیاسی مانند ویتوتانزی، ماکیاولی، منتسکیو، روسو، بنتام و گونار میردال به تعریف و اظهار نظر در مورد فساد پرداخته‌اند. به عقیده‌ی ماکیاولی، فساد جریانی است که طی آن موازین اخلاقی افراد سست، و فضیلت و تقوای آنها به نابودی کشیده می‌شود. از آنجایی که بیش‌تر افراد از نظر درجه‌ی پرهیزکاری ضعیف هستند، زمینه‌ی فساد در آنها همواره وجود دارد مگر زمانی که تحت هدایت و نفوذ یک رهبر بزرگ قرار گیرند. از دید منتسکیو «فساد، یک سامانه‌ی سیاسی خوب و صحیح را به یک سامانه‌ی

زشت و ناپسند تبدیل می‌کند. از گونار میردال فساد معنای وسیع‌تری دارد و به شکل‌های گوناگون انحراف یا اعمال قدرت شخصی و استفاده‌ی نامشروع از مقام و موقعیت شغلی، اطلاق می‌شود. یک تعریف معروف فساد که توسط قانون جزایی هند ارائه شده است، می‌گوید: «شخصی متهم به فساد است که با داشتن مقام دولتی و یا در حالی که در انتظار دریافت چنین مقامی است، هرگونه لطف و کمکی خارج از حقوق قانونی را دریافت کند و یا به شخص دیگری به عنوان انگیزه‌ی کار یا جبران انجام و عدم انجام کار رسمی، یا امری که در حدود وظایف اوست، هم‌چنین به حمایت از فرد یا مخالفت با او برخیزد و یا در دادن و ندادن خدماتی به افراد، اقدام کند یا با دریافت آن موافقت کند و یا برای کسب آن تلاش نماید.»

تعریف دیگری از فساد عبارت است از: «اعمال افراد خاصی که به منظور دستاوردهای شخصی از موقعیت خود سوء استفاده می‌کنند.» این امر گویای رفتاری آشکارا نامشروع و ضد اجتماعی است که ناشی از فشارهای اجتماعی یا هنجارهای حاکم بر جامعه نیست.

در تعریف دیگر، فساد به «عدم رعایت عمده‌ی اصل فاصله به منظور کسب امتیاز برای خود یا افراد وابسته»، اطلاق شده است.

در تعریف دیگر، فساد در زندگی عمومی عبارت است از: بهره‌گیری از قدرت عمومی به خاطر نفع شخصی؛ ارتقاء مقام؛ کسب شهرت؛ یا به خاطر نفع یک گروه یا طبقه، به طریقی که موجب نقض قانون یا زیرپا نهادن معیارهای کردار عالی اخلاقی شود. فساد، متضمن تخطی از وظایف اجتماعی یا انحراف از معیارهای عالی اخلاقی در ازای (یا به امید) سود مادی شخصی، قدرت و یا شهرت است. چنین کرداری ممکن است غیر قانونی باشد یا بدون این که از قانون تخطی شود، ممکن است انحراف از معیارهای اخلاقی به شمار آید.

تاکنون تعاریف زیادی از فساد مالی شده است؛ لکن هنوز برخی از صاحب‌نظران به زعم خود، تعاریف جدیدی از آن ارائه می‌کنند.

به هر نوع تصرف غیر قانونی از اختیارات و قدرت برای استفاده از

امکانات مالی، فساد مالی اطلاق می‌شود که البته دارای مصادیق بسیاری از جمله اختلاس؛ رشوه؛ اخاذی؛ رانت‌های اقتصادی؛ برداشت و دخل و تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال؛ استفاده از امتیازات و بهره‌برداری‌های مالی، و اشکال گوناگون دیگر می‌باشد. بنابراین می‌توان اذعان داشت که فساد مالی، سوء استفاده از مقام و موقعیت دولتی (عمومی) برای کسب منافع شخصی است. این کار بعضی اوقات کوچک و ناچیز بوده، و گاهی در سطح وسیع و کلان صورت گرفته و جنبه‌ی عمومی به خود می‌گیرد.

این تعریف، مدنظر تحقیق ما می‌باشد و در جای جای این پژوهش که به معضل مفاسد مالی اشاره شده است، این مفهوم مد نظر بوده است؛ البته تعاریف زیادی از این پدیده و مفهوم ارائه شده است که، در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم.

صاحب‌نظران و مؤسسات بین‌المللی نیز تعاریفی با همین مضامین از پدیده‌ی فساد مالی ارائه کرده‌اند. بر اساس یکی از این تعاریف، فساد مالی همانا "نادرستی و کردار خلاف قانون افرادی است که در مساله‌ی قدرت و مسئولیت، دستی دارند" بانک جهانی نیز فساد مالی را چنین تعریف می‌کند:

- سوء استفاده از اختیارات واگذار شده به نیت حصول نتایج تعریف‌نشده در مسئولیت‌های سپرده شد.

انجمن حسابداران خبره نیز که یکی از مؤسسات بین‌المللی بوده و در سطح جهانی فعالیت دارد، فساد مالی را چنین تعریف نموده است:

- سوء استفاده از امکانات و اختیارات دولتی به نیت تأمین منافع شخصی و خصوصی.

این انجمن تصرف ناحق در امکانات بخش عمومی و سوءاستفاده از انواع تسهیلات برای پیشبرد هدف‌ها و مقاصد حزبی و سیاسی را یکی از شایع‌ترین مصادیق فساد مالی معرفی کرده است. میردال نیز که یکی از اقتصاددانان توسعه است، فساد را در معنی گسترده‌تری مورد توجه قرار داده است و معتقد است:

- فساد به: تمامی اشکال گوناگون انحراف؛ اعمال قدرت شخصی؛ و

از «کلیه‌ی رفتارها و سوء رفتارهایی که موجب اختلال در نظم اقتصادی یا عملکرد بهینه‌ی مراکز اقتصادی در مقیاس‌های مختلف، از واحدهای کوچک گرفته تا اختلال در اقتصاد کشور می‌گردد.» با توجه به تعاریف مختلف به عمل آمده، در مجموع می‌توان فساد مالی و اقتصادی را سوء استفاده از مقام، منصب، موقعیت و اختیارات و قوانین و مقررات در جهت منافع شخصی تعریف نمود. البته سوء استفاده و شرایط و نحوه‌ی آن در کشورهای مختلف فرق می‌کند و آداب و قوانین نیز همواره با یکدیگر هم‌خوانی ندارند. با این همه، در سرتاسر جهان و در تمامی طول تاریخ، مردم در شناسایی برخی از رفتارها به منزله‌ی فساد، اتفاق نظر دارند.

فساد امری نسبی و مرتبط با نظام ارزش‌های یک جامعه است و بیش از بخش خصوصی در دستگاه دولتی مطرح می‌گردد.

در یک محیط فاسد اداری است که حقوق سیاسی و اجتماعی شهروندان نادیده گرفته می‌شود و حقوق مسلم ارباب رجوع به آسانی پایمال و یا به ناحق به دیگری واگذار شده است و در بسیاری از موارد، زمینه‌ی مساعدی را برای سوء استفاده فراهم می‌کند. خطر اقدامات مفسدانه هنگامی آغاز می‌شود که: این رفتارها به صورت نظام‌مند در آید و نهادینه شود؛ بر سیاست‌ها و قراردادهای اقتصادی و آن‌ها را از مسیر صحیح منحرف سازد؛ قوانین را تغییر دهد؛ قانون‌گذاران را بخرد؛ عدالت را بازیچه‌ی خود قرار دهد؛ و در نتیجه مشروعیت قوانین در انظار مردم متزلزل گردد.

منابع

- ۱- دادگر، حسن و غلامعلی معصومی‌نیا (۱۳۸۳)؛ فساد مالی؛ تهران؛ کانون اندیشه‌ی جوان.
- ۲- همدی خطبه‌سرا (۱۳۸۳)؛ فساد مالی؛ علل؛ زمینه‌ها و راهبردهای مبارزه با آن؛ تهران؛ پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.
- ۳- موسسه‌ی تحقیقاتی تدبیر اقتصاد (۱۳۸۳)؛ فساد مالی و اقتصادی؛ ریشه‌ها، پیامدها، پیش‌گیری و مقابله؛ ج اول؛ تهران؛ موسسه‌ی تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.

است از استفاده از زور، توسل به خشونت با تهدید برای اخذ پول و منابع دیگر.

نکته‌ی مهمی که در تعاریف مربوط به فساد مالی بایستی متذکر شد، آن است که انجام فعالیت‌های فسادآلود را تنها کارکنان و افراد زیرمجموعه‌ی دولت و نهادهای عمومی صورت نمی‌دهند؛ بلکه اشخاصی که خارج از چارچوب دولت قرار دارند و به نحوی خواهان رفع مشکلات مرتبط با دولت هستند و از روش‌های غیر قانونی استفاده می‌کنند نیز، به این معضل و عارضه منتسب می‌باشند. این افراد که امکان دارد یک شخص یا یک بخش خصوصی مستقل باشند، برای جلب همکاری یک فرد یا مسئول در داخل مجموعه‌ی دولت، به منظور نقض قوانین و مقررات و ضوابط اداری و یا تغییر در قوانین و مقررات برای نفع شخصی، دست به کار می‌شوند. در این حالت، فساد، رفتاری



است که به دلیل جاه‌طلبی‌های فردی، معرف انحراف شخصی از شیوه‌ی عمل درست و عادی انجام وظیفه می‌باشد که به انحای مختلفی صورت می‌گیرد. بنابراین، عارضه‌ی فساد مالی را ممکن است، بخش خصوصی و عمومی و زیرمجموعه‌های آن، به تنهایی و یا صورت دهند و نمی‌توان مقصر را یکی از این دو بخش معرفی کرد؛ هر چند که اغلب، عامل و عاملان بروز و شیوع مفاسد مالی را دولت و کارکنان آن معرفی می‌کنند.

فساد مالی و اقتصادی عبارت است

استفاده‌ی نامشروع از مقام شغلی، قابل اطلاق است.

همان‌طور که پیش از این نیز گفته شد، فساد مالی دارای شکل‌ها و نمودهای مختلفی می‌باشد. شکل‌های اصلی فساد مالی، رشوه، اختلاس، تقلب و جعل، و اخاذی می‌باشد که هر یک از این‌ها تنها بعضی از ابعاد اصلی پدیده‌ی فساد مالی را مشخص و تبیین می‌کنند.

رشوه (bribery) عبارت از وجهی (نقدی یا جنسی) است که در یک رابطه‌ی آلوده و فاسد، داده یا گرفته می‌شود. نفس دادن یا گرفتن رشوه تخلف محسوب می‌شود و به نحوی جوهره‌ی فساد مالی معنی می‌شود.

اختلاس (embezzlement) برداشت افرادی از منابع عمومی است که مدیریت همان منابع به آن‌ها سپرده شده است. اختلاس هنگامی شکل می‌گیرد که کارکنان ناسالم و فاسد، منابع عمومی را حیف و میل یا از آن سوء استفاده کنند. وقتی که در اموال عمومی اختلاس می‌شود، حق جامعه پایمال می‌گردد؛ بنابراین، اختلاس شکلی از فساد مالی و سوء استفاده از قدرت است.

سوء استفاده از موقعیت (straddling) نیز شکل دیگری از اختلاس خواهد بود؛ چرا که سوء استفاده از موقعیت، فرایندی است که در آن، بعضی از صاحب‌منصبان به طور سازمان‌یافته، از پست و موقعیت سیاسی و اجتماعی خود، برای تعمیم، تضمین و گسترش منافع شخصی سوء استفاده کرده‌اند؛ به عبارتی در قبال جامعه خیانت می‌کنند.

تقلب (Fraud) یک جرم اقتصادی است که مستلزم نوعی کلاهبردای، فریب یا دروغ است. تقلب و دست‌کاری یا ایجاد اختلال در اطلاعات شفاف و صحیح، همانا اختلال در حقایق و امور کارشناسی از سوی افرادی است که در پی نفع شخصی و خصوصی خویش‌اند. تقلب وقتی روی می‌دهد که فردی که مسئولیت اجرای دستور یا انجام وظایف را دارد، جریان اطلاعات را به سمت منافع شخصی خود تغییر دهد.

اخاذی (extortion) به عنوان یکی از نمودهای مفاسد مالی، عبارت